

## گفتار در بارهٔ سبک سخن فارسی حضرت شوقی ربّانی

شاپور راسخ

افتخاری بزرگ است که نصیب این بندهٔ ناچیز شده و آن عرض مطالبی در بارهٔ سیاق سخن فارسی مولای یکتا حضرت ولیّ امرالله است. ناگفته روشن است که آنچه در این باب معروض شود تنها حکم ارائهٔ قطره‌ای چند از یک دریای پهناور را دارد اما امید آن هست که پژوهندگان آینده از این محدوده فراتر روند و در ژرفنای آن بحر لؤلؤخیز غوطه‌ور شوند و دامن‌ها گوهر ناب هدیه اصحاب را آورند.

بر سبیل مقدمه باید عرض شود که آثار فارسی آن حضرت که تقریباً همه از مقولهٔ ترسّلات است بسیار وسیع و گسترده است و آنچه تا به حال نشر شده<sup>۱</sup> تنها بخش کوچکی از آن را در بر می‌گیرد لذا تأکید این بنده به ضرورت بیشتر در مورد توقیعات عمومی سال‌های اخیر خواهد بود و جز به اشاره‌ای سریع، از توقیعات خصوصی به افراد و یا مکاتیب خطاب به مؤسّسات امری سخن نخواهد رفت.

ضمناً باید از ابتدا متذکر شوم که در بارهٔ سبک سخن حضرت ولیّ امرالله نوشته‌های فراوانی در دست نیست و تا آنجا که گویندهٔ این عرائض اطلاع دارد منابع موجود بس محدود و عبارتند از:

۱- مطالبی که ایادی امرالله جناب دکتر علی محمد ورقا در انجمن سالانهٔ معارف بهائی کانادا به سال ۱۹۸۴ م. در این موضوع به زبان فرانسه ایراد فرموده‌اند و در مجموعهٔ انگلیسی *The Vision of Shoghi Effendi* در سال ۱۹۹۳ م. به طبع رسیده است.

۲- مقاله‌ای از دوست گرانمایه ام آقای صالح مولوی نژاد که در شمارهٔ ۱۶۸ پیام بهائی به سال ۱۹۹۳

م. چاپ شده و نیز مقاله‌ای در مورد مضامین توقیعات مبارکه از خانم دکتر مهری افغان که در همان شماره ملاحظه می‌توان کرد.

۳- اشارات مجمل به آثار آن حضرت و مضامین و اسلوب آنها در کتب مختلفی چون گوهر یکتای امة البهاء روحیه خانم (طبع اول به زبان انگلیسی در سال ۱۹۶۹ م.) و خاطرات دکتر یوگو جیاگری (۱۹۷۳ م.) و کتاب به یاد محبوب اثر جناب ذکراالله خادم (۱۳۱ ب.) که به طور عمده به حیات شریف و خدمات جلیل حضرتش اختصاص دارند. این اشارات بر روی هم جنبه کلی دارد و وارد دقائق ادبی آثار فارسی آن حضرت از نظرگاه لغت و صرف و نحو و معانی و بیان و علم بلاغت یا بدیع نشده است.

پوشیده نماند که این بنده سال‌هاست که ترک جهان ادب و ادبیات را گفته است و با بضاعت مزجاة هرگز دعوی آن را نداشته و ندارد که در این عرصه دشوار اظهار وجود و حیات کند. اگر در اینجا بر حسب وظیفه عرائضی عرض می‌شود فقط از این بابت است که سال جاری مقارن با یکصدمین سال ولادت و چهلمین سال رحلت آن وجود مقدس است. لذا شایسته نبود که از ادب و فرهنگ ایران سخن برود و از درخشش آثار قلمی آن حضرت که گوهر تابناکی بر تارک ادب پارسی است ذکری به میان نیاید، خاصه که امید می‌رود محققانی چند در میان شما بر سر ذوق و شوق آیند و به پژوهش وافی و کافی در این زمینه همت بگمارند.

### اوصاف عمده سبک سخن هیکل مبارک

شاید بی مورد نباشد که در ابتدای عرائض مجملی در باره خصیصه‌های عمده سیاق آثار فارسی آن حضرت بگویم و بعد به مقداری که فرصت اجازه می‌دهد به توضیح و تفصیل آنها پردازم. در کمال اجمال می‌توان گفت که اگر لحن و سبک حضرت بهاءالله را به صفت متعالی یا جلیل توصیف کنند شیوه کلام حضرت عبدالهء را باید به عنوان فاخر و آراسته یا جمیل وصف نمود و در آن صورت، صفت مهیمن یا جزیل بر توقیعات منبع حضرت ولی امرالله زیننده خواهد بود. صفت جزیل یعنی محکم- استوار- قوی- فشرده و پرمغز. اما این صفت تنها خصلتی نیست که بر آثار حضرتش صادق می‌آید. کلام آن حضرت به پنج خصیصه دیگر نیز قابل معرفتی است: اولاً سخنی است منسجم یعنی یک‌دست و هموار و سلیس.

ثانیاً دارای آهنگ یعنی موزون است و بهره‌مند از سجع متوازی و متوازن و مترادفات و قرینه‌سازی جملات که به کلام لحن خاص مطبوعی می‌دهد.

ثالثاً کلام آن حضرت به اطناب مقرون است. بسط سخن برای نوع مباحثی که مورد نظر آن حضرت بوده و هدفی که مطمح خاطر خطیر قرار داشته ضروری بوده و نه فقط هرگز ممل یعنی ملال آور نبوده و نیست بلکه درست برعکس، هیجان‌آفرین و گیرا و به دنبال خویش کشنده است. رابعاً هر چند صنائع لفظی در آثار آن حضرت به وفور دیده می‌شود اما همه بدون زحمت و تکلف و به وجهی طبیعی به کار رفته و حتی ممکن است وجود آنها توجه خواننده را اصلاً به خود

معطوف نکند چنان که به جای خود خواهد آمد.

خامساً گرایش آن حضرت به استفاده وسیع از لغات و اصطلاحات عربی و حتی جملات و عبارات کامل تازی است و به این اعتبار می توان گفت که حضرتش به زبان فارسی در ادای مفاهیم خاصی چون بحث از نظم اداری و نظم بدیع و تحلیل اوضاع جهان و تعیین خطوط تحوّل آن وسعت و فسحتی داده اند که این زبان هرگز پیش از آن از چنان گسترشی بهره مند نبوده است.<sup>۲</sup> مع ذلک لغات عربی مانند فارسی بدون تکلف و تصنع به کار رفته و به فرموده جناب دکتر علی محمد ورفا حضرت ولی امرالله در استعمال این لغات در عبارات چون استاد جواهرسازی عمل کرده اند که به درستی می داند که هر کلمه را در کجا بنشانند که مانند گوه های پربها بیشترین جلوه و نما را پیدا کند.

\*\*\*

در تحلیلی که از سبک مهیمن و جزیل حضرت شوقی ربّانی خواهد شد بنده گوینده مایل است توجّه شما عزیزان را به چند نکته مهمّ معطوف کند:

نخست تحوّل بارز و آشکاری است که سبک سخن آن حضرت از دوران قبل از ولایت و آغاز تصدّی این مقام پر جلالّت متدرّجاً حاصل کرده و به سبک منسجم و پر هیمنه سال های اخیر خاصّه در توفیعات عمومی آخرین منتهی شده است؛ تحوّل که نمونه های آن را بعداً خواهیم دید.

ناگفته نماند که حضرتش از کثرت خضوع و محویت همواره از تشبّه و تمثّل به دیگر طلعات قدسی احتراز فرموده و سبک سخن آن حضرت که در ابتدا می توانست یادآور سیاق کلام حضرت ورفه علیا و به میزان کم تر برخی از الواح مبارکه حضرت عبدالهّاء باشد بعداً به کلی متمایز و مستقلّ شده و بعد از شاهکارهای عالی نثر فارسی نظیر تاریخ بیهقی و چهارمقاله عروضی، آثاری جاوید به وجود آورده که بر طبق مسموعات، مورد تحسین بعضی از سخن سنجان بنام چون مرحوم سعید نفیسی قرار گرفته است. جناب ذکراالله خادم هم به بعضی از ستایشگران آثار فارسی و عربی حضرت ولی امرالله در مقاله خود «بنده آستانش» به زبان انگلیسی اشاره می فرمایند که دوستان می توانند شخصاً به آن منبع مراجعه نمایند.<sup>۳</sup>

نکته دوّم توجّه دادن حاضران عالی قدر به این حقیقت است که حضرتش تنها در کسوت «بنده آستانش شوقی» یا «برادر حقیقی شما» (Your true brother)، بهائیان شرق و غرب عالم را مورد خطاب قرار نداده اند. هر چند پایان همه توفیعات مبارک به چنین کلماتی موشح است اما در خلال این توفیعات، خصوصاً آنچه خطاب به عموم است غالباً لحن، لحن فرمانده ای بسیج کننده نیروها و تهییج کننده و پیش برنده افراد سرسپرده است که البته متناسب با مأموریت آن حضرت در اجرای فرمان های ملکوتی حضرت عبدالهّاء و تأسیس و توسعه نظم اداری حضرت بهاءالله در سراسر دنیا بوده و این نقش با معنای حقیقی کلمه ولایت مطابقت داشته و دارد.

لحن حضرت بهاءالله لحن شارع است یعنی طراح نظم بدیع جهان آرای الهی - لحن حضرت عبدالهّاء لحن شارح است یعنی مبین آن نقشه که به منظور تجدید حیات و سازمان عالم انسانی وضع شده و اما لحن حضرت ولی امرالله ضرورتاً لحن مجری یا مهندس اجرائی است که باید یاران را در

سراسر جهان به تنفیذ آن نقشه آسمانی دعوت فرماید لذا عجب نیست که مکرراً کلمات شورانگیز و هیجان‌خیزی چون البدار، البدار- هلموا بنا علی السلوک فی هذا الصراط المستقیم در آن آمده است. نکته سوم ورود آن حضرت است به مبحثی که هرگز در ادبیات فارسی سابقه‌ای نداشته و آن بحث از نظم اداری و نقشه‌های سازمان‌دهی جامعه است؛ بحثی که نه کلمات کهنه جاف‌ناده و نه اصطلاحات تازه نوساخته برای ادا و تعبیر آن در اختیار آن حضرت بوده و نه جایی برای طرح چنین مباحث در آثار ادبی، حتی کتاب‌های «سیاست مدن» وجود داشته است. وقتی نمونه‌های عبارات آن حضرت را در این زمینه نوین ملاحظه فرمودید خود تصدیق می‌کنید که حضرت شوقی ربّانی چه کار خطیری را از عهده برآمده و چه داعیه و چالش عظیمی را لیبیک اجابت گفته‌اند، نوشته‌هایی نه فقط از مقوله ایضاح منطقی و توجیه عقلی بلکه مقرون به شورانگیزی، موجد و موجب قیام و حرکت عمومی، هادی اراده‌ها و توانائی‌ها به سوی هدف مطلوب که همان توسعه و اعتلای امر محبوب عالمیان باشد.

نکته چهارم آنکه در آثار آخرین حضرت ولیّ امرالله بیش از پیش کاربرد اصطلاحات و تعبیرات خاص و استعارات و کنایات مخصوص و عناوین و القاب معینی که در آثار طلعات مقدسه حضرت بهاءالله و حضرت ربّ اعلی و حضرت عبدالبهاء مذکور و مسطور بوده ولی در زبان عامه رواج و تداول نداشته قوت و شدت می‌گیرد به طوری که فهم آثار مبارکه بدون مراجعه به الواح الهی نازله از قبل بر جمعی از اجناب دشوار می‌شود و از این رو است که نفوسی چون جناب اشراق‌خاوری به نگارش توضیحات و شروح چون کتاب رحیق مخوم در دو مجلد در تشریح توفیق قرن حضرت ولیّ امرالله همت گماشته‌اند. از این مقوله است عناوین و القابی که آن حضرت برای شخصیت‌ها، شهرها، کتاب‌ها و نظائر آن انتخاب فرموده‌اند و بعد اشاراتی بدانها خواهد رفت.

نکته پنجم آنکه حضرت ولیّ امرالله هیچ‌گاه کتابی به زبان فارسی تألیف نفرمودند که مثلاً قابل مقایسه با مقاله شخصی سیاح یا تذکره الوفاء یا نظائر آن باشد و تقریباً همه آثار مبارکه (به استثنای *God Passes By* به زبان انگلیسی و نیز چند رساله به همان زبان) از مقوله ترسّلات است: توقیعات به اشخاص و مؤسسات و توقیعات عمومی. به قول جناب دکتر علی محمد ورفا، آن حضرت به ۹۵۰۰ نامه دوستان شرق و ۲۳۰۰ نامه دوستان غرب پاسخ گفته‌اند و در نتیجه آثار فارسی آن حضرت را نباید جز در چارچوب «نامه‌نگاری» بررسی کرد و جای حیرت از این بابت است که بخش‌هایی از این ترسّلات خصوصاً توقیعات عمومی<sup>۴</sup> از هیچ اثر مهم ادبی کم‌تر و کهنتر نبوده و نیست.

نکته ششم- از هنرهای خاص حضرت ولیّ امرالله چنان که جناب دکتر ورفا توجه داده‌اند علاقه آن حضرت به تحلیلات تاریخی است. وقتی حضرت شوقی ربّانی از تاریخ این امر اعظم سخن می‌گویند به ذکر حوادث و وقایع اکتفا نمی‌کنند بلکه طی عباراتی پرهیمانه از خلال حوادث منفرد، قوانین کلی و جهت حرکت عمومی تحولات تاریخی را مانند فیلسوفان مورخ یا مورخان فیلسوف استنباط و استخراج می‌کنند و چه بسا از گذشته به آینده روی می‌آورند و مسیر حوادث کلی آنی را نیز مشخص می‌فرمایند.

## نکته‌ای چند در بارهٔ اطناب یا بسط سخن

اطناب که صاحب المعجم فی معاییر اشعار العجم آن را با اصطلاح بسط سخن معادل نموده از انحاء نثرنگاری است و در مقابل ایجاز قرار دارد. سید احمد هاشمی در جواهر البلاغة خود<sup>۵</sup> که در بارهٔ علوم معانی- بیان و بدیع است دواعی یعنی موجبات اطناب را چنین ذکر می‌کند: تثبیت معنی- توضیح مراد- تأکید- رفع ابهام و ابراز شور و حمیت.

چون اشاره کردیم که حضرت ولیّ امرالله در آثار فارسی خود شیوهٔ اطناب را بر روش ایجاز ترجیح داده‌اند شایسته است که چون در نوشته‌های انگلیسی آن حضرت نیز همین سنجیه به چشم می‌خورد نظر محققان غربی را در این مورد استفسار کنیم. جناب جیاگری که فصلی از کتاب خود را به قریحهٔ ادبی حضرت ولیّ امرالله اختصاص داده‌اند ضمن آن مطلبی می‌نویسند که نه فقط به آثار انگلیسی بلکه به آثار فارسی و عربی آن حضرت هم تطبیق می‌کند:

«طول عبارات و جملات در آثار آن حضرت وسیله‌ای است برای آنکه مطلب و معنایی را عمیقاً در قلب و روح خواننده جای دهند. عبارات بلند از پی هم می‌آیند اما همه به سوی هدفی ناظرند و آن هدف اهمّیت و ضرورت و فوریتی خاصّ دارد. تو گوئی که حضرتش می‌خواهد با لحن و روشی حماسی یاران الهی و جامعهٔ بشری را بدون وقفه و درنگ در وسط راه، به مقصدی نهائی که همان اعلای کلمهٔ الهی است سوق دهد.»

«وقتی که من نخستین پیام‌های آن حضرت را خطاب به یاران امریکا زیارت کردم از سبک سخن حضرتش حیرت زده و مبهور شدم. حسّ قویّ هدف‌گرایی، والائی و علوّ نیت، نوعی احساس پاکی و صفا و نزهت روحی از این آثار استنباط می‌شد. بسیار مشکل است بگویم چگونه عواطف و هیجاناتی از زیبایی کلام و طرز نگاه و پیش آن حضرت در من به وجود آمد. مثل آن بود که در وسط صحرای خشک باران بیارد و طبیعت عطش‌زدهٔ انسان را تازه و شاداب کند. به راستی این فیضان مغنم، طراوت‌بخش و ذی‌قیمت بود.»<sup>۶</sup>

این نکته را نویسنده‌ای بهائی به نام آن بویلز (Boyles) که دکتر در شعر معاصر امریکائی دارد و استاد زبان انگلیسی در یکی از دانشگاه‌های امریکا است خوب متذکر شده که سبک انگلیسی حضرت ولیّ امرالله تحت تأثیر دو نویسندهٔ بنام یعنی ادوارد گیبون (Edward Gibbon) و توماس کارلایل (Thomas Carlyle) بوده. گیبون (۱۷۳۷-۱۷۹۴) هم جملات طولانی می‌نوشته که نمی‌شد بدون لطمه به معنی، به اجزاء و قطعات تقسیم کرد. حضرت ولیّ امرالله غالباً اثر او، «تاریخ انحطاط و سقوط امپراطوری رم» را می‌خواندند و از استادی او در زبان انگلیسی ستایش می‌کردند. بعید نیست که طولانی نگاشتن جملات در فارسی نیز تأثیری از این آشنائی با سبک گیبون پذیرفته باشد چنان که خطاب‌های مهیج حضرتش به قیام و اقدام در کسوت قهرمانان، شیوهٔ کلام کارلایل (۱۷۹۵-۱۸۸۱) را یادآوری می‌کند.

به قول بویلز حضرت ولیّ امرالله به جای آنکه روش رساله‌نگاری را برگزینند که مخاطب

مشخصی ندارد روش ترسل را که خطاب به شخص یا جمع مشخصی است اختیار کردند که بتوانند مخاطب یا مخاطبان خود را به شور و حرکت آورند و به فعالیت و کار بگمارند. تفاوت این مکاتیب با نامه‌هایی که از حواریون و پیروان برجسته حضرت عیسی مسیح در دست است و در انجیل منعکس، این است که این نفوس ملهم نبودند و ناچار عقائد شخصی در داخل مکتوباتشان انعکاس داشت در حالی که حضرت ولی امرالله به الهام الهی متکی بودند. از این رو عجب نیست که در اطاق کار هیکل مبارک هیچ دفتر اندیکاتور یا فهرست نامه‌ها یا خلاصه و سواد مکاتیب صادره، به هنگام جستجو بعد از صعود آن حضرت یافت نشد.

\* \* \*

### کاربرد نثر مُرسَل در آغاز دوران ولایت

ترسلات اولیة حضرت شوقی ربانی یادآور سبک سخن خانم اهل بهاء حضرت ورقه علیا است؛ عبارات به نسبت کوتاه‌تر است و لغات دشوار و اصطلاحات خاص عربی در آن محدودتر. مثلاً این توقیع مبارک که به گفته جناب ذکرالله خادم اول مکتوب آن حضرت پس از تصدی مقام ولایت است<sup>۷</sup> که فقط عباراتی برگزیده از آن در اینجا نقل می‌شود:

«هوالله، احبای حقیقی جانفشان حضرت عبدالبهاء را در عبودیت آستانش سهیم و شریکم و در این مصیبت جانسوز یعنی فرقت و حسرت جمال بی‌مثالش هر آنی مونس و ندیم. هرچند هیکل بشری مولای خونمان از دیده عنصری متواری گشت ولی چون سحاب از وجه شمس مرتفع شد اشراق تأییداتش قوی‌تر و عون و صون و حمایتش اکمل و شدیدتر از قبل خواهد بود. باید همگی به قوه خلاقیت کلماتش نظر نماییم و منتظر تأییدات غیبیه‌اش شویم.»

نمونه دیگر این توقیع مبارک است که در ۵ آپریل ۱۹۲۲ م. صادر شده و ضمن آن فرموده‌اند:

«هوالله. این عبد پس از واقعه مؤلمه مصیبت عظمی، صعود حضرت عبدالبهاء به ملکوت ابهی به حدی مبتلی و دچار صدمات اعدای امرالله و حزن و الم گشته‌ام که وجودم را در همچو وقتی و در چنین محیطی منافی ایفای وظائف مهمه مقدسه خویش می‌شمرم، لذا چندی ناچار امور امریه چه داخل و چه خارج را به عهده عائله مقدسه مبارکه به ریاست حضرت ورقه علیا روحی لها الفداء می‌گذارم تا بمنه تعالی کسب صحت و قوت و اطمینان و نشاط روحانی نموده به نحو دلخواه و مرام، رشته خدماتم را کاملاً مرتباً به دست گرفته به منتهی آرزو و آمال روحانیه‌ام فائز و نائل گردم. بنده آستانش شوقی.»

نامه‌ای که حضرت ولی امرالله در عنفوان جوانی از منچستر به حضور حضرت عبدالبهاء نوشته‌اند همین لحن صمیمی و ساده و بی‌تکلف را دارد:

«هوالبهی. سیدی و منتهی املی و مولای الحنون، چگونه ستایش و نعت امر مبارک را نمایم که در این مدینه کبری شهر منچستر که اهالی از تمام طبقات غافل و غرق مادیاتند همچو نفوس خالصه مؤمنه مبارکی مبعوث نمودی. سراجی در این مدینه روشن نموده‌اند که از اول طلوع امر در جزائر انگلستان همچو نوری و همچو شعله‌ای ملاحظه نگشته...»<sup>۸</sup>

## آغاز نثر مبسوط جزیل

امة البهء روحیه خانم تغییر سبک و روال سخن حضرت ولی امرالله را در زبان انگلیسی به حدود سال ۱۹۳۰ م. مربوط می‌کنند.<sup>۹</sup> به فرموده ایشان از آن زمان است که حضرتش با اعتماد به نفس و قدرت و قوت خاص بیان مطلب می‌فرمایند، گوئی بار سنگین غمی که صعود حضرت عبدالبهاء بر دوش آن حضرت نهاده بود خفیف‌تر شده است.

اگر دقت کنیم در زبان فارسی هم سبک کلام جزیل‌تر و آهنگ سخن قوی‌تر و وزین‌تر و عبارات و جملات طویل‌تر و لحن بیان مهیمن‌تر می‌شود. به عنوان نمونه عرض می‌شود که بسیار تفاوت است بین لحن این توقیعات اولیه و لحن توقیعاتی چون مکتوب مورخ نوروز ۱۰۸ بدیع که نه فقط هیمنه و طنطنه الفاظ و عبارات در آن بالا می‌گیرد بلکه اصطلاحات غلیظ‌تر، تنسیق صفات فزون‌تر و استعارات و کنایات فراوان‌تر می‌شود. به این عبارات توقیع اخیر توجه فرمائید:

«طولی نکشید که شمس بهاء از افق زندان غارب گشت و غصن وحید اعظمش در بحبوحه طوفان نقض مطابقاً لَمَّا اَمْرُه محبوبه الابهی به تنفیذ دستور صادر از فم مقدسش قیام فرمود و ارض اعلی، اولین قطعه مبارکه مشرفه به قدوم جمال ابهی در آن جبل مقدس با وجود دسائس ناقضین ناکصین ابتیاع گردید... با وجود موانع لانتحصی و متاعب و بلایای بی‌منتهی، جاده خصوصی مقام اعلی و قطعه‌ای دیگر از اراضی مجاوره آن ابتیاع گردید و حجرات بنیان مرصوص رغماً لَکَلِّ عَدُوِّ لَدُود و مکار عنود به نیروی بازوی مرکز منصوب عهد رب و دود مرتفع گشت و این انتصار عظیم و نصرت مبین محرک عرق عصیبت حکام جهول و برادران حسود و مورث رعب و توهم و اضطراب خلیفه ظلوم گردید...»<sup>۱۰</sup>

چنان که ملاحظه می‌شود عبارات در این توقیع منبع وزن و آهنگ خاصی دارد، سجع در آن به فراوانی به کار رفته، مع‌ذلک هیچ‌گاه معنی فدای لفظ نشده. مترادفات نایاب نیست اما همواره کلمه یا عبارت دوم چیزی بر معنی یا اهمیّت کلمه یا عبارت اول می‌افزاید. در میان جمله‌ها عباراتی چون «رغماً لَکَلِّ عَدُوِّ لَدُود و مکار عنود» درج شده که از مقوله جملات معترضه و چون به اصطلاح اهل ادب حشو ملیح است بر قوت کلام افزوده می‌کند. در عین حال کلمات عربی که کم‌تر به گوش فارسی‌زبانان آشنا است ازدیاد می‌یابد (نظیر ناکصین، مورث، رعب، ظلوم و مانند آن). با کاربرد چنین لغات عربی که همه محکم و قوی هستند جزالت کلام دو چندان می‌شود؛ گوئی حضرتش این

گونه لغات و تعبیرات را که اکثراً در آثار جمال قدم و مرکز عهد اقوم به طور پراکنده یافت می‌شده تجمیع و تلفیق فرموده‌اند و بدین طریق زبان فارسی وسعت و قوتی پیدا می‌کند که هرگز پیش از این نداشته است.

### ارتباط و تناسب میان رسالت و سبک سخن آن حضرت

باید متذکر بود که عمده توجّه حضرت ولیّ امرالله در توقیعات مبارکه خود علاوه بر تبیین و توضیح مشکلات و معضلات آثار مبارکه شارع امر الهی معطوف به دو امر بوده است: ۱- احداث و توسعه و تشدید نظم اداری بهائی. ۲- تشویق احبّا به قیام بر خدمت و تبلیغ امر حضرت احدیّت و هجرت به اقطار عالم برای نشر امر اعظم و عمل به مقتضیات حیات بهائی و مانند آن. لذا آثار آن حضرت را باید از جهت وصول به این دو هدف بررسی و تحلیل کرد و مشخصات آن را از نظر اطناب و به کار گرفتن سجع و وزن و تنسیق صفات و تکثیر اوصاف و آوردن استعارات و کنایات برخی صنائع بدیعی از این بابت فهم و توجیه نمود.

برای آنکه منظور این بنده آسان‌تر درک شود عباراتی چند را از توقیع مبارک ۱۱۱ بدیع نقل می‌کنم که طی آن می‌فرمایند:

«یا احبّاء البهاء، یوم یوم شماست و وقت وقت شما. آنچه الیوم لازم و واجب و مغناطیس تأئید الهی است قیام جمّ غفیری از مؤمنین و مؤمنات از شیخ و شاب و غنی و فقیر و امّی و ادیب و سیاه و سفید بر نصرت دین مبین است. باید کلّ کثله واحده در سنین تسعه باقیه، قیامی عاشقانه و دلیرانه نمایند و در بسیط غیرا منتشر گردند... و با قلبی فارغ و روحی خفیف و دلی افروخته و عزمی ثابت و قدمی راسخ، در اتّساع دائره امرالله و انتشار نفعات الله و استحکام اساس شریعة الله و ارتفاع صیت دین الله و ازدیاد عدد پیروان مذهب الله لیلاً و نهاراً همّت بگمارند. نعره زنان و یا بهاء الابهی گویان به سوی اقالیم غیرمفتوحه و مراکز جدید التّاسیس بشتابند و به تأسیس مراکز منفرده که به منزله نقاطند متوکلاً علی الله مبادرت نمایند و این مراکز منفرده را به اسرع ما ممکن در نتیجه تبلیغ و هدایت نفوس قویاً و عملاً به جماعات که به منزله حروفاتند مبدّل نمایند و جماعات را متعاقباً به محافل محلّیه که به مثابه کلمات تامّاتند تبدیل دهند و در ازدیاد این محافل روحانیّه محلیّه در ممالک مختلفه، متماداً همّت بگمارند تا وسائل انعقاد انجمن‌های شور روحانی متدرّجاً به کمال متانت فراهم گردد و محافل ملّی روحانی که به منزله آیات بیّناتند تشکیل گردد و ارکان دیوان عدل الهی مرتباً منصوب شود و بر این ارکان، قبه بنیان الهی که بیت عدل اعظم و به مثابه کتاب مبین است مرتفع گردد و مؤسّسات نظم بدیع الهی به این تاج مفخرت عظمی متوجّح گردد و در دامنه کرم الهی جبل الرّب در مقرّ معین استقرار یابد.»<sup>۱۱</sup>

ملاحظه کنید چقدر آهنگ سخن شکوه‌مند است و در عین آنکه سخن از تکالیف روحانی در قبال نظم اداری در میان است، کلام از بسیاری صنائع بدیعی مشحون است و به خصوص تصویرگری



نقطه- حرف- کلمات تامّات- آیات بیّنات و بالاخره کتاب مبین بس دلپذیر و دلنشین است و در خاطر نقش می‌بندد و از یاد نمی‌رود. هر عبارتی از کمال خاصی برخوردار است؛ مثل آنکه هیچ نکته مهمی ناگفته نمانده نشده. مثلاً در تبدیل مراکز منفرد به جماعات می‌فرمایند به اسرع ما می‌توانیم اضافه می‌کنند به روش تبلیغ و توضیح می‌دهند که تبلیغ باید هم قولاً و هم عملاً باشد. وقتی صفات قائمان به خدمت را ذکر می‌فرمایند هر صفت ضرورتی را یاد می‌آورد. هیچ کلمه‌ای اضافی و تزئینی نیست: قلب فارغ- روح خفیف- دل افروخته- عزم ثابت- قدم راسخ هر کدام اشاره به یکی از صفات ضروری است که باید مبلّغ امر- فرد مهاجر یا خادم تشکیلات حائز باشد.

حاصل کلام، چنان که قبلاً مذکور آمده، آنکه سخن آن حضرت به راستی کار جواهرساز ماهر را به یاد می‌آورد که هر دانه گوهری را به مقصدی و بر طبق نقشه‌ای در ارتباط و با توازن و تناسب زیبایی با سایر گوهرها در محلّ خود نشانده است و اگر یک دانه از این میانه مفقود شود این تجانس و هماهنگی بی‌نظیر به هم می‌خورد.

## دو نوع اطناب

قبلاً معروض آمده که در سخن منسجم آن حضرت عبارت‌ها مثل حلقه‌های زنجیر به هم تنیده و در هم پیوسته‌اند. دو نوع اطناب در کلام آن حضرت می‌توان یافت:  
یکی آنکه در بین آغاز و پایان جمله یعنی مبتدا و خبر چند سطر فاصله است و فعل تنها در آخر آن عبارت طولانی می‌آید که نمونه‌اش این عبارت از توقیع نوروز ۱۰۱ بدیع است:

«این بحران شدید و هیجان عظیم پس از افول کوكب میثاق و این لطمات متابعه و قیام دشمنان داخله و خارجه و تعدّیات و تجاوزات اعداء دینی و سیاسی و دسائس و وساوس خصماء قدیم و جدید به مفاد آیه مبارکه "قل ان الاعراض من كلّ معرض مناد لهذا الامر و به انتشر امرالله و ظهوره بین العالمین"، بر اشتهار امرالله و استحکام بنیان رصین و رزین بیفزود...»<sup>۱۲</sup>

ثانیاً در مواردی جمله‌های متعدّد با افعال هر یک از طریق حرف عطف (و) به هم متصل شده‌اند ولی بیان به نحوی تنظیم شده که جز با خواندن آخرین جمله، مطلب به طور کامل دستگیر نمی‌شود مانند این عبارات در همان توقیع یاد شده:

«قوة قدسیه که در مدینه طیبه شیراز، نقطه بیان در سنه ستین به آن بشارت داده و در سنه تسع در ارض مقدسه در زندان طهران متولد گشته و تصرّفات اولیه‌اش در مدینه الله نمودار گشته و در ارض سرّ در سنه ثمانین به منتهی درجه قدرت در حقائق کائنات سریان و نفوذ نموده و در ایام قیادت مرکز میثاق از سجن اعظم به جهان فرنگ سرایت کرده و اقالیم غریبه را به حرکت آورده، پس از افول کوكب میثاق، این قوه ساریه دافعه نافذ در مشروعات و مؤسسات بهیته پیروان امر خداوند یگانه حلول نمود و مجسم و مشخص و مصور گشت.»<sup>۱۳</sup>

در اینجا باید متذکر نقشی شده که جملات معترضه به صورت حشو ملیح در وسط کلام ایفا می‌کند و جنبه دعا، خطاب، کنایه، توضیح و تأکید مطلب قبلی یا بعدی را دارد و به قول ادباء موجب مزید رونق و حسن کلام می‌شود. ارباب ادب حدود ۱۲ نوع مختلف اطناب قائل شده‌اند که فقط برخی از آنها در مورد آثار حضرت شوقی ربّانی صادق است و ما بدون ورود در این مقال در ذیل این مقاله اشاره‌ای اجمالی به این انواع خواهیم کرد.<sup>۱۴</sup>

ناگفته نماند که ایجاز مناسب کلمات قصار- امثال و حکم- سخنان سرپوشیده و مانند آن است و مساوات به معنی تساوی لفظ و معنی مناسب گفتارهای علمی و مباحث فلسفی، در حالی که به مدد اطناب می‌توان نه فقط کلام را زیبا و آراسته کرد بلکه بر قوت و قدرت و نفوذ و تأثیر آن بسی افزود.

### بعضی مختصات معنوی آثار مبارک

از خصائص بدیعه طرز سخن حضرت شوقی ربّانی قدرت تخیل و تجسم است. فی المثل در تویح ۱۰۸ بدیع وقتی ذکر از جاده سلاطین می‌فرمایند که بندر حيفا را به مقام اعلی و رأس کرمل خواهد پیوست این کلمات تصویر آفرین از قلم حضرتش جاری می‌گردد:

«من بعد حسب الاشارة مرکز عهد الهی... این تاجداران عظام و مُحَرمان کعبه رحمن، پس از وصول به ساحل ارض مقصود و زیارت و طواف قبله اهل بهاء، مطاف ملاً اعلی در مرج عکا، به این مدینه مکرمه مشرفه توجه نمایند و به جبل کرمل صعود نمایند و به کمال شوق و وله و انجذاب، به سوی این مقام محمود شتابند و از راه این طبقات، خاضعاً خاشعاً متذلاً منکسراً تقرب به آن مرقد منور مطهر جویند و در باب حرم کبریا تاج را بر خاک اندازند و سجده کنان تراب مشکبیزش را تقبیل نمایند و لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ يا اَعْلَى الْاَعْلَى گویان در رواق مقدّسش طواف نمایند و به کمال عجز و ابتهال، آیات باهرات لوح کرمل را تلاوت نمایند و در حدائق و چمنستان‌های وسیعه بدیعه این مقرّ اسنی و حظیره غنّاً و جتّه علیا مشی و سیر نمایند و روائح معطره‌اش را استنشاق کنند و از اثمار طیبه جنیه بدیعه‌اش مرزوق گردند...»<sup>۱۵</sup>

همان طور که دوست ارجمند و محققم آقای صالح مولوی نژاد نوشته‌اند «اوج زیبایی سبک تویحات فارسی را باید در تصویرسازی‌های بی‌نظیری دید که از روح پراحساس و فکر ملهم حضرت ولی امرالله سرچشمه گرفته، با قلم اعجازانگیز مبارک بر صفحات تویحات تصویر شده است.»<sup>۱۶</sup> و از آن زمره است تصویر مقام اعلی به عنوان ملکه کرمل در تویح نوروز ۱۱۱ بدیع و تصویر شجره لاشرقیه و لاغرینه الهی که در عهد آدم غرس شده و در این عصر به برگ و شکوفه و گل آراسته و مزین گشته و سایه بر سراسر عالم افکنده، تصویر دلپذیری که در تویح منبع نوروز ۱۱۰ بدیع ارائه شده است.

خصوصیت دیگر مربوط به کاربرد تشبیهات، استعارات و کنایاتست که ضمن بحث از صنائع لفظی مجملات بدان اشارت خواهد رفت.

## بعضی از صنائع بدیعی در کلام آن حضرت

در آثار آن حضرت لااقل ده صنعت مهم ادبی را می‌توان بازیافت: ۱- تسجیع؛ ۲- اشتقاق؛ ۳- تضاد و مطابقه؛ ۴- مراعات النظیر؛ ۵- استعاره؛ ۶- تنسیق صفات و اوصاف؛ ۷- حسن مطلع؛ ۸- حسن مقطع؛ ۹- تجنیس یا جناس، و بالاخره ۱۰- حسن تضمین.

گفتیم که صنائع بدیعی به طور طبیعی و بدون زحمت و تکلف در آثار آن حضرت فراوان به کار رفته که به نمونه‌هایی از آن ذیلاً اشارت می‌رود:

اول تسجیع که بی‌تردید به کلام آن حضرت آهنگ و قار آمیز و پرطننه‌ای می‌دهد. فی المثل در تویعات مبارکه چاپ آلمان می‌خوانیم:

«... حامل امانت الهیه [یعنی حضرت عبدالبهاء] به دست مبارک خویش هیکل مقدس نقطه اولی و عنصر اعزّ الطف اطهر اعلی را پس از آنکه مدت شصت سال از محلی به محلی منتقل، در صندوق مقدس بنهاد و در حضور جمعی از یاران شرق و غرب در مقام اعلی در قلب کرمل مقابل قبله اهل بهاء، روضه غنا و بقعه مطهره مقدسه علیا و محط رحال ملاً اعلی و در قرب مقام حضرت ایلیا استقرار داد.»<sup>۱۷</sup>

چنان که دیدیم در آثار آن حضرت هم سجع متوازن و هم سجع متوازی یافت می‌شود مثلاً در این عبارات:

«... این انتصارات عظیمه و فتوحات باهره... محرک عرق عصیّت دشمنان لدود و نافضین جهول و عنود گردید. نار حسد غلیان جدید نمود و نائره بغضا فورانی شدید کرد»<sup>۱۸</sup> که لدود و جهول سجع متوازن و جدید و شدید سجع متوازی است.

دوم صنعت اشتقاق: چون امثله بسیار فراوان است به ذکر نمونه‌هایی اکتفا می‌شود: متحصنین در حصن عهد اوفی - خصم خصیم - جنود مجنده - رکن رکین و نظائر آنها.

سوم صنعت تضاد یا مطابقه (مقابله) مانند: «گمگشتگان ارض از امیر و حقیر و صغیر و کبیر و حاکم و محکوم و رئیس و مرئوس از باده غفلت سرمست و مدهوش»<sup>۱۹</sup>

چهارم مراعات النظیر: در تویعات مبارکه آمده: «تندباد عصیان و نافرمانی در هبوب، دریای سخط الهی پر جوش و خروش...»<sup>۲۰</sup>

«این بشارت چون تخم پاک در ارض دل تمکنی تام یافت.» (نقل از قول ملکه رومانی)<sup>۲۱</sup>

«هبوب عواصف شدیدة علّت تقویت ریشه شجره الهیه گشت.»<sup>۲۲</sup>

پنجم استعاره: تعبیرات استعاری در آثار مبارکه بسیار به کار گرفته شده و از آن جمله است در تویع قرن: ورقای ایکه عبودیت، کوکب میثاق برای حضرت عبدالبهاء، و نجم درّی هدایت الهی برای حضرت اعلی و حیة رطاء و طیر قبیح در مورد یحیی ازل و غیر آن.

ششم تنسیق نعوت و صفات: از جمله صنائع بدیعی تنسیق صفات است که البته باید در مورد آن رعایت اعتدال نمود. نمونه‌هایی چند از تنسیق صفات در آثار آن حضرت:

«چه مقدار عجیب و غریب است تصرفات قوهٔ ازلیّهٔ قدسیّهٔ دافعهٔ ساریهٔ صمدانی.» (نوروز ۱۱۰ ب.)

«این افکار مشوّشه... سرچشمه و منشأ و مصدرش احزاب متنوّعهٔ متکاثرهٔ متنازعه در بلاد غرب بوده.» (۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ م.)

«استقلال آئین اعزّ اقدس اکرم.» (نوروز ۱۰۱ ب.)  
در وصف مقام اعلیٰ: «مرقد بهیّ الانوار رفیع البیان قوی الارکان مبشر امر حضرت رحمن.» (نوروز ۱۰۸ ب.)

علاوه بر تنسیق صفات یکی از فنونی که حضرت ولیّ امرالله در آثار خود به کار می‌گیرند تنسیق نعوت و اوصاف و القاب است. غالباً وقتی هیکل اقدس از شهری، محلی، بنائی، شخصی، قومی یاد می‌کنند عناوین و اوصاف و القابی را که برای آنها در آثار مقدّسه به کار رفته به دنبال هم می‌آورند که ضمن اطالّهٔ کلام، شکوه و ابهتی به سخن می‌دهد. فی المثل در مورد شهر عکا می‌فرمایند: «... مرج عکا، ملحمهٔ کبری، وادی النّیل، مآدبهٔ الله، مدینهٔ محصّنه، بقعهٔ مبارکهٔ بیضاء...»<sup>۲۳</sup>

در بارهٔ ملا محمد علی بارفروشی می‌فرمایند: «جوهر تقدیس و ساذج تزیه، طلعت قدّوس، اسم الله الآخر که به لقب نقطهٔ اخری... ملقب.»<sup>۲۴</sup>

در وصف احبّاء می‌فرمایند: «جالسین فُلك بهاء و متمسکین به عروهٔ وثقی و ثابتین بر عهد اوفی و بانیان این نظم اعزّ اعلیٰ...»<sup>۲۵</sup>

هفتم حسن مطلع: به قول آقای دکتر علی محمد ورقا یکی از خصوصیات مکاتیب آن حضرت اهمّیتی است که مقدّمه یا پیش‌گفتار در آن پیدا می‌کند. بعضی از این پیش‌گفتارها حالت خطبه دارد و در مدح و ثناء محبوب امکان است. بعضی اظهار محبّت و عطف خاصّ به دوستان و تجلیل و تحسین ملکات فاضلهٔ آنان است. برخی نیز تشویق به خدمت و عبودیت آستان احدیت است. در آغاز توفیق قرن که به اجبای شوق خطاب شده (نوروز ۱۰۱ ب.) ستایشی مبسوط از حضرت بهاء‌الله و درود خاصّ به حضرت باب و حضرت عبدالبهاء ملاحظه می‌شود و بعد تجلیل از همهٔ کسانی که به خدمت امر رحمن برخیزند و به گسترش آن یاری کنند. این پیش‌گفتار مثل همهٔ موارد دیگر هیجان و شورآفرین است، مشوّق و محرّک است و از نظر کثرت اوصاف و نعوت طلعات مقدّسه تحسین‌انگیز و تکان‌دهنده.

هشتم حسن مقطع: حضرت مولی‌الوری معمولاً در آخر مکاتیب مبارکهٔ خود جملهٔ ثابتی را به کار می‌برند: و علیک یا و علیکم التّحیه و الثّناء. در ترسّلات حضرت ولیّ امرالله مقاطع یکسان نیست و در نامه‌های مختلف فرق می‌کند، اما همیشه عبارتی است که به قول مؤلّف فنون بلاغت و صناعات ادبی در روح شنونده و خواننده اثری خوش و نیک باقی می‌گذارد.<sup>۲۶</sup> مثلاً این عبارت در پایان توفیق ۱۱۳ بدیع: «و لکم منّی الف تحیه و ثناء من هذه البقعة النّوراء. زادکم الله فی خدمهٔ امره و نصرهٔ دینه شوکة و اجلالاً و قدرهٔ و رجالاتاً.»

نهم تجنیس: علاوه بر سجع اعمّ از متوازن و متوازی، جناس هم گاه مورد توجه ذات اقدس است

مانند مصائب و مصاعب، دسائس و وساوس، جهلاء و بلهائ و نظائر آن.  
دهم هنر تضمین: تضمین شعر شعراء در توقیعات حضرت ولیّ امرالله نادر است ولکن تضمین  
نصوص مبارکه حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء و احیاناً حضرت اعلی در آن توقیعات به وفور  
تام مشاهده می‌شود.

نمونه تضمین شعر در توقیع مورخ نوروز ۱۰۸ بدیع دیده می‌شود که قصیده‌ای از عندلیب در  
مورد استقرار عرش علی اعلی در مقام متبرک خود در آن آمده است ولکن تضمین نصوص مبارکه  
در همه توقیعات آن حضرت ملحوظ است و به کمال مهارت صورت گرفته است. مثلاً:  
«واقعها در پیش است و حوادث جسیمة جلیله از عقب. به فرموده مرکز عهد جمال ابھی بدایت  
انبات است و آغاز ظهور آیات بیّنات.»<sup>۲۷</sup>

### بعضی از مشخصات و مختصات لفظی دیگر نثر آن حضرت

این مختصات به این موارد مربوط می‌شود: ۱- مزج فارسی و عربی؛ ۲- تطبیق صفت و  
موصوف؛ ۳- کاربرد مترادفات.

#### تأثیر زبان عربی

حضرت ولیّ امرالله در ممالک عربی (بیروت به وجه اخص) تعلیم و تربیت یافته‌اند و ناچار زبان  
محیط نمی‌توانست در آثار حضرتش بی‌تأثیر باشد. بعضی اسامی را به شیوه عربی تحریر می‌فرمایند  
مثلاً اسوج و نروج بجای سوئد و نروژ و حبر اعظم بجای پاپ. جمع‌ها غالباً به شیوه زبان عرب آورده  
شده است مثل کنائس بجای کنیسه‌ها یا ولایة امور بجای والیان. لغات مهجور هم که البته موجب  
گسترش و غنای زبان فارسی می‌شود در آثار مبارکه کم نیست. از آن جمله است فی المثل: «قاصم  
شوکت جیوش اسلامیة در اعصار غابره»<sup>۲۸</sup> «بلای عقیم و داء و بیل»<sup>۲۹</sup> «متوسلاً باهداب فضله و  
کرمه»<sup>۳۰</sup> «از مکن اسنی هتاف ملاً اعلی مرتفع...»<sup>۳۱</sup> «حبال تسویف اهل تدلیس»<sup>۳۲</sup> «جالسین بر  
وساده عزت و منصب»<sup>۳۳</sup>.

گاه هیکل اقدس ترکیب زیبایی از لغات عربی و فارسی را از پی هم می‌آورند مانند: «قرن ثانی  
کور بدیع جهان‌افروز»<sup>۳۴</sup> «غصن برومند الهی»<sup>۳۵</sup> «... این بنا که چون صدف حافظ این لؤلؤ لالا و  
گوهر گرانبهاست...»<sup>۳۶</sup>.

#### تطبیق صفت و موصوف

غالباً صفت و موصوف را آن حضرت به شیوه زبان عرب مطابقه می‌دهند چون قوه قدسیه، بیت  
مسکونه، قوه ساریه دافعه نافذه و مانند آن و این خود در تشکیل آهنگ خاص کلام سهمی بارز دارد  
نظیر این جمله: «... و وقائع جسیمه و انقلابات هائله و انتصارات باهره و تأسیسات بدیعه و مشروعات  
بهیةاش را به یاد آریم...»<sup>۳۷</sup>

علاوه بر تطبیق صفت و موصوف از نظر تأنیث، گاه از لحاظ جمع بودن هم این مطابقت صورت گرفته است که البته نادر است مانند ناقضین ناکثین. (در آثار مبارکه صفت ناکصین با صاد هم به کار رفته است.)

#### کاربرد مترادفات برای تکمیل معنی

چنین می‌نماید که در بسیار موارد حضرت ولیّ امرالله کلمات دارای معانی نزدیک به هم را نه از باب تأکید سخن بلکه برای افاده کامل مقصودی که در ذهن داشته‌اند و به یک کلمه مفهوم نمی‌شده در پی هم آورده‌اند چه هر کلمه به ظاهر مترادف فقط بخشی از معنای مطلوب را می‌رسانده است. مثلاً در صفحه ۳۴۰ توقیعات مبارکه: «نتیجه و ثمره حلول و تجسد این قوه الهیه در عالم کون ظاهر و عیان گردد.» هرچند نتیجه و ثمره یا ظاهر و عیان از مقوله ترادف است اما حلول و تجسد دو کلمه نزدیک به هم است که معنی همدیگر را کامل می‌کنند. (مورد، حلول و تجسد قوه الهی در تشکیلات این نظم بدیع است.)

#### لغات و اصطلاحات خاص در نثر آن حضرت

کتاب سبک‌شناسی غالباً فهرستی از لغات و اصطلاحات خاصی را که نویسنده‌ای یا نویسندگان دوره‌ای از ادوار تحوّل ادب فارسی به فراوانی به کار می‌برند ارائه می‌کنند که نوعی معیار شناسائی آثار ایشان باشد. از مشخصات عمده آثار حضرت ولیّ امرالله مشحون بودن آنها از اصطلاحات اداری و تشکیلاتی است که بعضاً در زبان فارسی معمول نبوده یا به معنایی که مورد نظر اهل بها است به کار نرفته و از آن قبیل است: دیوان عدل اعظم - محافل مقدسه روحانیه - حظائر قدس ملی - لجنه‌های امری - صندوق‌های خیریه - انجمن شور روحانی - مراکز امریه، نقاط و جمعیت‌ها - معاهد - مشروعات - مشرق الاذکار - دوائر امریه - انفصال اداری - طرد روحانی - فارسان مضممار الهی - عصر رسولی - عصر تکوین و بسیار اصطلاحات دیگر.

دکتر حسین خطیبی در بحث از ترسّلات و مکاتیب فارسی در قرن‌های ششم و هفتم هجری بخشی را به عناوین و نعوت اختصاص می‌دهد که در این دو قرن تداول و رواج بسیار پیدا کرده است.<sup>۳۸</sup> نعوت و عناوین در آثار حضرت ولیّ امرالله بسیار فراوان است و حتی رساله‌ای تحقیقی مبسوط در باره آنها می‌توان تهیه کرد: به عنوان نمونه نعوت و القابی را که در مورد حضرت بهاءالله - حضرت ربّ اعلی - حضرت عبدالبهاء - احبّای وفادار - ناقضان - دشمنان امر - رهبران مخالف امر - نظم بدیع حضرت بهاءالله - کتاب اقدس - الواح وصایا در آثار حضرتش به کار رفته به حضورتان ارائه می‌کنم که تازه با همه تفصیل، همه عناوین و نعوت مورد اشاره در ترسّلات آن حضرت را در بر نمی‌گیرد.

## نعوت و عناوین در آثار حضرت ولی امرالله

۱- نعوت و عناوین حضرت بهاءالله: اسم اعظم- جمال قدم- محیی روم- جمال مبین- سلطان ظهور- جمال ابهی- سلطان قدم- اصل شجره الهیه- محیی الانام- محبوب ابهی- کعبه جمال- جمال ذو الجلال- سلطان قیوم- مکلم طور- مالک یوم الدین- جمال موعود- مظلوم عالم- نسر سماء علیین- نیر آفاق- سلطان السلاطین...

۲- نعوت و عناوین حضرت اعلی: مبشره الفرید- قرّة عین النّیین- باب الله الاعظم- ذکر الله الاکبر الاکرم الافخم- حجّة الله بین الامم- الدرّة الاولی و العلیّ الاعلی و النّقطه الاولی الظاهر بآثار جمیع الانبیاء- وجه الله الّذی لا یموت و نوره الّذی لا یفوت- القائم الموعود- المهدی المنتظر- صبح الهدایه- صاحب الزّمان- سلطان الرّسل...

۳- نعوت و عناوین حضرت عبدالبهاء: مولای توانا مرکز عهد بهاء- مرکز میثاق بهاء- مرجع منصوص- بدر میثاق- هیکل میثاق- حمامه میثاق- سراج میثاق- مرکز عهد و پیمان- مرکز عهدالله- یوسف بهاء- یوسف مصر الهی- مولای فرید و وحید- ورقای ایکه عبودیت- حامل امانت الهیه- مرکز عهد ربّ قدیر- شیر بیسه میثاق- نجم درّی میثاق جمال ابهی- غصن برومند اعزّ اعلی- فرع مشعب از اصل قدیم- غصن الله الاعظم و سرّه الاکرم...

۴- نعوت و عناوین احبای وفادار: جالسین فلک بهاء و متمسکین به عروه وثقی و ثابتین بر عهد اوفی و بانیان این نظم اعزّ اعلی- خادمان برازنده جمال رحمن- فارسان مضمار الهی- رسولان اسم اعظم و ثابتین بر عهد اقوم- جامعه پیروان امر الهی- مجاهدین فی سبیل الله- اهل وفا و رافعین رایت بیضاء و حامیان حصن حصین ابهی...

۵- نعوت و عناوین یحیی ازل: شخص موهوم- ناقض امر حضرت ربّ الارباب- ناقض عهد جمال علیّ اعلی- سفیه بی وفا- یحیای جحد- مطلع اعراض و منبع اغماض یحیی بی حیا- یحیی بی وفا- یحیی بی شرم و حیا- ناقض عهد نقطه اولی حیة رطاء یحیی بی حیا و عدوّ لدود جمال ابهی- ناعق اعظم یحیی بی شرم...

۶- نعوت و عناوین حضرت محمد علی بارفروشی قدّوس: طلعت قدّوس- اسم الله الآخر- نقطه

اخری...

۷- نعوت و عناوین باب الباب: جوهر صدق و صفا و رافع رایت سوداء و آیت استقامت و شهامت النّجم الساطع و البدر الّلامع حضرت اوّل من آمن که به لقب مرآت اوّلیّه ملقب و به شهادت قلم اعلی لولاه ما استوی الله علی عرش رحمانیّه و ما استقرّ علی کرسی صمدانیّه...

۸- نعوت و عناوین حضرت طاهره: نقطه جذبیّه طاهره مطهره- نقطه جذبیّه ورقه طیبه طاهره زکیّه- طاهره زکیّه مشتعله ثابتة بی گناه...

۹- نعوت و عناوین دشمنان امر: مکذبین و مبطلین امر بهاء- اهل ادبار- علمای رسوم خصم الدّ آئین حضرت قیوم- هیاکل بغضیه و نفوس شریره- ظالمان- دشمنان تبه کار- مشرکین- دشمنان لدود- مفترین و مبطلین- قوم جهول ظلوم و ستمکارترین اشقیاء...

۱۰- نعت و عناوین ناقضان: پیر کفتار، جمال تبه کار- ابراهیم زنیم، اول من نقض عهد الله و میثاقه فی الغرب- بدیع بدخصال، غاصب مفتاح ضریح مطهر حضرت ذو الجلال- طیر قبیح، آواره سفیه- جمال پروبال...

۱۱- نعت و عناوین نظم بدیع حضرت بهاء الله: قصره المشید و نظمه البدیع ولید شریعتہ السّمحاء الّذی بشر بظهوره ذکر الله الاکرم و باب الله الاعظم- این نظم که در هویت این دور الهی مندمج و حقیقت فائضه امر اعز ابهی باحسنها و اکملها در آن تجلی نموده- ممتاز از انظمه باطله سقیمه عالم...

۱۲- نعت و عناوین بعضی از رهبران مخالف امر: ظالم عجم، ناصر جائر که قلم اعلی به لقب رئیس الظالمین ملقب فرموده- عبدالحمید پلید، خصم الدّ غصن وحید و فرید- پاشای غدار که جمال مختار را خودسرانه در مدینه عکا به دارالحکومه احضار نمود- جمال ستمکار که به خود وعده اعدام مرکز امر کردگار و هدم بقعه نورا را داده بود- سید افغانی عدو لدود و حقوق...

۱۳- نعت و عناوین کتاب اقدس: امّ الکتاب- کتاب مقدس اقدس- مدینه مقدسه و اورشلیم جدیده از آسمان نازل شد- سماء جدیده و ارض جدیده که در مکاشفات یوحنا به عروس آراسته تشبیه گشته- رق منشور- رق منیع- میزان الهدی بین الوری و برهان الرحمن لمن فی الارضین و السموات- جاذب و جامع جمیع شرائع الهیه- سوف یظهر فی الارض سلطانه و نفوذه و اقتداره...

۱۴- نعت و عناوین الواح وصایای حضرت عبدالبهاء: کتاب وصایا، آخرین ندای حمامه ایکه وفا و غصن برومند سدره منتهی و مرکز میثاق بهاء- وصایای متقنه مرکز عهد اتم و اقدم- شارح اصول و مؤسس اساس و معرف دعائم و قوائم این عصر نورانی- منشور نظم بدیع الهی- آخرین رنه ملکوتی آن طیر بقا در جهان ادنی...

### توقیعات خصوصی

قلت وقت مانع از آن است که در مورد توقیعات خصوصی آن حضرت که گاه بخشی از آن ظاهراً به قلم منشی نوشته شده و احیاناً بخش دیگر به خط یا تقریر هیکل مبارک است سخن به تفصیل گفته شود. مجملأ باید یاد آور شد که لحن غزا و آهنگ مهیمن توقیعات عمومی آن حضرت را در این توقیعات خصوصی نباید جست زیرا معمولاً این توقیعات اخیر یا پاسخ به سؤالات مخاطب (یا مخاطبان) است یا ارشاد به خدمت امر حضرت احدیت، یا تحسین و تشویق و تحیب، یا اجازه تشرف و یا مضامین مشابه که مستلزم کاربرد نثری به شکوه و رفعت خطاب های عمومی نمی تواند باشد. در این توایع سخن ساده تر است اما هرگز از فصاحت و بلاغت عاری نیست. در باره توقیعات خصوصی حضرت شوقی ربانی جناب جیا کری می نویسند:

«اما مکاتبات عدیده آن حضرت با احبّا همه مشکل گشا، هدایت بخش، موجب افزایش قدرت ایمان و ایجاد امید در قلب مخاطبان بود. هر مسأله کوچکی را حضرتش به امری وسیع تر و کلی تر یا اصلی عمومی مرتبط می کرد و در نتیجه به مخاطب بینشی وسیع تر اعطا می فرمود.»



«مکاتبات آن حضرت نه فقط گوهرهای ادبی است بلکه مقرون به جوهر انصاف، نهایت خرد و کمال روحانیت است. نامه‌های آن حضرت مبین آن است که او سلطان حقیقی و شریف‌ترین انسان در قرن بیستم بود. آن حضرت هرگز از هیچ مخاطبی فروغ حکمت خود و محبت و عطوفت گرم و صمیمی و پاداش‌دهنده خویش را دریغ نفرمود.»<sup>۳۹</sup>

نمونه‌ای از توقیعات فارسی آن حضرت که در تاریخ ۹ ماه می ۱۹۲۵ م. خطاب به جناب ذکراالله خادم تحریر شده بدین قرار است:

«نامه مورّخ ۱۱ سؤال آن جناب مع عرائض جوف رسید و تقدیم حضور مبارک گردید. از قرار معلوم از طهران به قصد زیارت اعتاب مقدّسه رحمن حرکت نموده وارد بغداد شدید. اجازه حضور خواستید. حضور مبارک حضرت غصن ممتاز بنده‌نواز ارواحنا له الفداء عرض شد و عین نامه و عریضه را نیز ملاحظه فرمودند. عنایه تیر اذن از افق اراده اشراق، امر فرمودند مأذونید مُحرم کعبه دوست شوید، روی و موی را به غبار آستان مقدّس معطر و معنبر سازید. لهذا حسب الامر تحریر شد و علیکم التّحیّة و التّناء. عبد فانی، میرزا هادی شیرازی.»<sup>۴۰</sup>

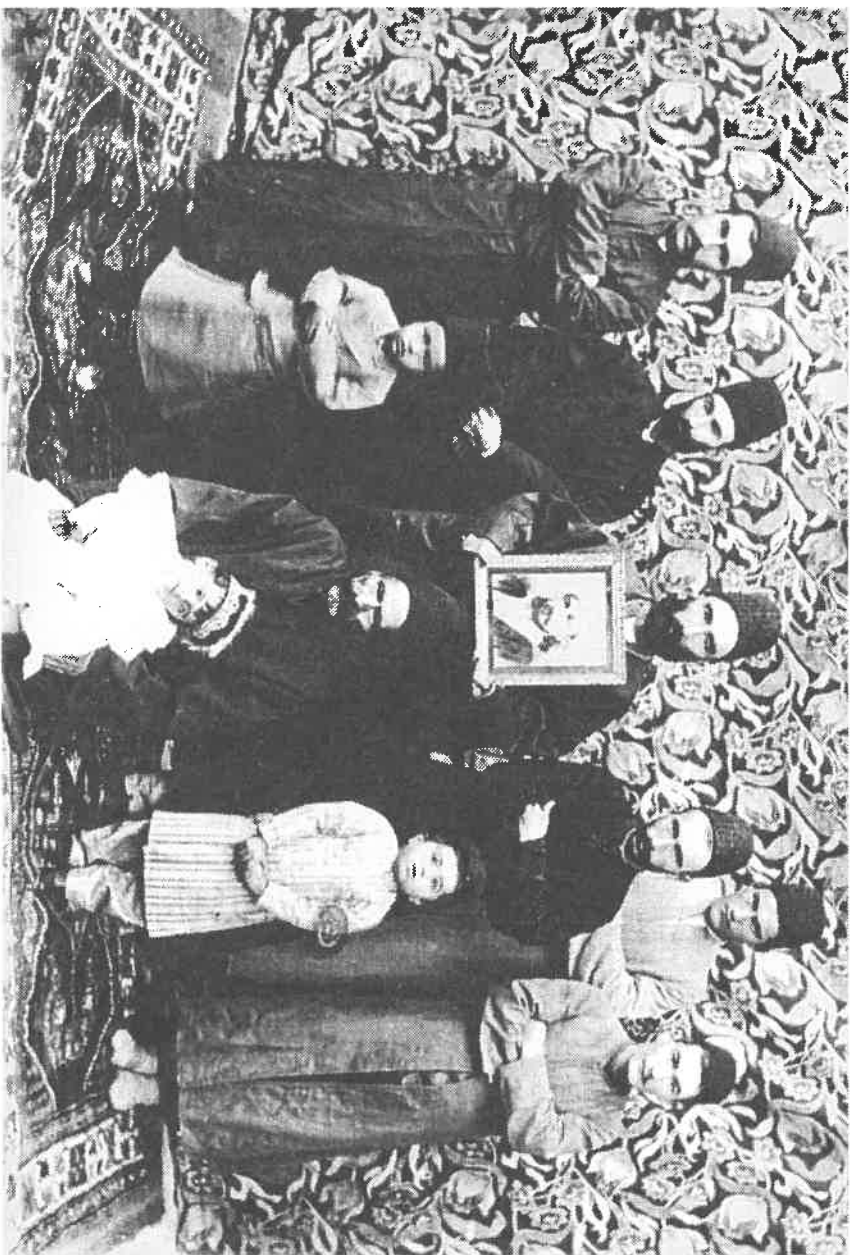
در زبان انگلیسی که موضوع بحث ما نیست همه آثار مبارکه در توقیعات عمومی و خصوصی محدود نمی‌شود بلکه تنوع بیشتر و نمایان‌تری دارد و شامل این زمینه‌ها است:

- ۱- ترجمه آثار مبارکه چون کتاب ایقان- کلمات مکنونه- الواح وصایا و چند اثر دیگر.
  - ۲- توقیعات عمومی که حاوی تجزیه و تحلیل اوضاع حاضر و ترسیم تحولات آینده است.
  - ۳- توقیعات به محافل و جوامع ملی.
  - ۴- رسالات از قبیل دور بهائی- ظهور عدل الهی- قد ظهر یوم المیعاد.
  - ۵- کتاب تاریخ *God Passes By* (یا توقیع قرن احبّای غرب).
  - ۶- ترجمه تاریخ نیبیل که در عربی عنوان مطالع الانوار گرفته.
  - ۷- توقیعات در اصول نظم اداری.
  - ۸- توقیعات خصوصی در پاسخ عرائض احبّاء.
  - ۹- کتب آماری و نقشه‌ها.
  - ۱۰- بعضی توقیعات در رثای حضرت مولی‌الوری و حضرت ورقه علیا.
- آثار آن حضرت به زبان انگلیسی هم در سبکی والا و پرهیمته ارائه شده و مانند آثار فارسی مقرون به جملات طولانی و کلمات نفیس ادبی با وزن و آهنگ و انسجام و جزالت خاصّ است. اما این مبحث خارج از صلاحیت این بنده است و شایسته است که اهل ادب در آن زبان بدان پردازند و حقّ مطلب را اداکنند. راست گفته‌اند که
- مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر ما همچنان در اوّل وصف تو مانده‌ایم

## یادداشت‌ها

- ۱- به نظر می‌رسد که آثار فارسی آن حضرت را بتوان به سه گروه توقیعات فردی و خصوصی - توقیعات به مؤسسات امری و بالاخره توقیعات عمومی طبقه‌بندی کرد. خانم دکتر مهری افغان مضامین پیام‌های عمومی آن حضرت را مورد مطالعه قرار داده‌اند و مقاله ایشان در شماره ۱۶۸ پیام بهائی درج شده است. ایشان یادآور شده‌اند که در ایران سه جلد توقیعات مبارکه چاپ شده. جلد اول توقیعات شامل ۶۱ توقیع است که در فاصله سال‌های ۱۹۲۲ و ۱۹۲۶ م. از قلم آن حضرت صادر شده (مؤسسه ملی مطبوعات امری، طهران، ۱۲۹ ب.)، کتابی در ۳۲۰ صفحه. جلد دوم ۲۰ توقیع را شامل است که ۱۱ مورد آن عمومی است و به سال‌های ۱۹۲۷-۱۹۳۹ م. مربوط می‌شود (۱۲۹ ب.)، کتابی در ۳۰۰ صفحه. کتاب سوم توقیعات سال‌های ۱۹۵۲-۱۹۵۷ را در بر می‌گیرد (نشر ۱۱۹ ب.).
  - ۲- کافی است یادآوری کنیم که به گفته جناب علی اکبر فروتن ایادی امرالله مجموع مکاتیب و تلگراف‌ها که در دوره حضرتش از ارض اقدس به سراسر جهان ایصال شده از ۴۳ هزار فقره می‌گذرد. (ر.ک. مقاله ایشان در شماره ۱۶۸ پیام بهائی). جناب دکتر علی محمد ورقا آثار قلمی آن حضرت را به حدود ۱۴ هزار برآورد کرده‌اند که به فرموده ایشان ۳۳۸۷ اثر آن به زبان‌های فارسی و عربی است و البته تلگراف‌های مبارک را منظور نظر نداشته‌اند. این پهناوری آثار و کاربرد هزارها لغت غیرمستعمل در زبان معمول فارسی، غنائی فوق العاده به فرهنگ این زبان بخشیده است.
  - ۳- نفوسی از فضلا چون فاضل طهرانی، حاج احمد حمدی و متصدی مسجد و مدرسه سپهسالار را ایشان نام می‌برند.
  - ۴- رجوع شود به توقیعات سنوات ۸۹ ب. (۱۹۳۳ م.) از جمله در باره پیشرفت امر الهی و خسران دشمنان و شرح لطامات وارده بر هیاکل مقدسه و تأکید لزوم استقامت و عدم خوف از انقلابات، و ۱۰۱ ب. به مناسبت صدمین سال بعثت حضرت اعلی، و ۱۰۵ ب. خطاب به احتیای شرق در بیان عظمت امر و دور و کور و عصر و عهد و نظم بدیع الهی، و ۱۰۸ ب. در مورد ساختمان مقام اعلی، و ۱۱۰ ب. در توصیف و تشریح نقشه جهاد کبیر اکبر، و ۱۱۱ ب. در بشارت انتصارات امر مبارک و تشویق به فتوحات جدید، و ۱۱۳ ب. در مورد تزیینات سنه ۱۹۵۵ م. در ایران. اهل ادب در زبان عرب (که از این بابت تفاوت مهمی با زبان فارسی ندارد) مراسلات یا مکاتبات را به چند گروه تقسیم می‌کنند (ر.ک.: السید احمد الهاشمی، جواهر الادب، ۲ جلد، بیروت، سال نامشخص): نامه‌های شوق یا شوقیه متعارف قبل از لقا - ترسلات مخصوص هدایا - ترسلات برای استعطاف - نامه‌های اعتذار - نامه‌های حاوی حسن تقاضا و طلب - طلب بخشش یا استمناح - نامه‌های سپاسگزاری - نامه‌های عتاب - نامه‌های شکایت - نامه‌های عیادت - نامه‌های وصیت - نامه‌های تهنیت - نامه‌های تعزیت که تقریباً هیچ یک در آثار حضرتش مصداق ندارد و فقط گروه "اجوبه" و "نصیحت" (یا "هدایت") را می‌توان در ترسلات حضرتش جست.
  - ۵- السید احمد الهاشمی، جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البدیع، محل و سال طبع نامشخص.
- 6- Ugo Giachery, *Shoghi Effendi* (Oxford: George Ronald, 1973), p. 29.
- ۷- به یاد محبوب، ص ۱۶۸.
  - ۸- پیام بهائی، شماره ۲۰۸، مارس ۱۹۹۷ م، ص ۱۸.
  - 9- Rúhíyyih Rabbani, *The Priceless Pearl* (London: Bahá'í Publishing Trust, 1969), p. 214.
  - ۱۰- حضرت ولی امرالله، توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله خطاب به احتیای شرق، لانگنهاین، لجنة ملی نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، ۱۴۹ ب.، ۱۹۹۲ م.، صص ۳۷۱-۳۷۳.
  - ۱۱- ایضاً، صص ۵۸۲-۵۸۴.
  - ۱۲- ایضاً، صص ۲۱۴-۲۱۵.
  - ۱۳- ایضاً، صص ۲۱۷-۲۱۸.
  - ۱۴- اول - اطناب از طریق کاربرد جمله یا جمله‌های معترضه که برای دعا - تأکید - توضیح و مانند آن است.

- دوم- اطناب به قصد ابضاح.
- سوم- اطناب برای ایغال یا مبالغه که خود یکی از صنائع بدیعی است.
- چهارم از راه بسط کلام که به طور خاص مورد عنایت حضرتش بوده است.
- پنجم- اطناب به تنمیم یعنی اینکه سخن را دقیق‌تر بیان کنند.
- ششم- اطناب به تذیل که کاربرد الفاظ و عبارات مترادفه است.
- هفتم- اطناب از طریق تکرار یا تکرر.
- هشتم- اطناب از طریق تکمیل یا احتراس به قصد رفع ابهام و سوء تفهّم.
- نهم- اطناب از طریق توشیح یا بسط مقال در مورد مطلبی که به طور کلی آمده بود و بعد تفصیلاً می‌آید.
- دهم- اطناب به ذکر خاص بعد از عام.
- یازدهم- اطناب به ذکر عام بعد از خاص.
- دوازدهم- اطناب به زیادت که می‌تواند به صورت تأکید معنوی یا لفظی باشد.
- برای تفصیل ر.ک.: دکتر احمد مطلوب، معجم المصطلحات البلاغیة و تطورها. الجزء الأول: ۱- ب، ۱۹۸۳ م..
- ۱۵- توفیعات مبارکه، صص ۳۸۵-۳۸۶.
- ۱۶- صالح مولوی نژاد، "مقدمه‌ای کوتاه بر سبک توفیعات فارسی حضرت ولیّ امرالله، پیام بهائی، شماره ۱۶۸، نوامبر ۱۹۹۳ م، صص ۴۳-۴۸، ص ۴۷.
- ۱۷- توفیعات مبارکه، ص ۱۹۵.
- ۱۸- ایضاً، صص ۱۸۹-۱۹۰.
- ۱۹- ایضاً، صص ۳۳۸-۳۳۹.
- ۲۰- ایضاً، ص ۳۳۸.
- ۲۱- ایضاً، ص ۲۳۶.
- ۲۲- ایضاً، ص ۲۴۸.
- ۲۳- ایضاً، ص ۹۳.
- ۲۴- ایضاً، ص ۱۲۱.
- ۲۵- ایضاً، ص ۲۱۹.
- ۲۶- جلال‌الدین همائی، فنون بلاغت و صناعات ادبی، ۲ جلد، چاپ سوم، طهران، ۱۳۶۴ ه. ش، ص ۳۱۹.
- ۲۷- توفیعات مبارکه، ص ۳۵۷.
- ۲۸- ایضاً، ص ۳۵۴.
- ۲۹- ایضاً، ص ۳۶۰.
- ۳۰- ایضاً، ص ۳۶۴.
- ۳۱- ایضاً، ص ۳۶۶.
- ۳۲- ایضاً، ص ۷۱.
- ۳۳- ایضاً، ص ۷۰.
- ۳۴- ایضاً، ص ۳۶۴.
- ۳۵- ایضاً، ص ۳۷۳.
- ۳۶- ایضاً، ص ۳۷۹.
- ۳۷- ایضاً، ص ۱۱۶.
- ۳۸- دکتر حسین خطیبی، فنّ نثر در ادب پارسی. ج ۱: تاریخ تطوّر و مختصات و نقد نثر پارسی از آغاز تا پایان قرن هفتم، طهران، ۱۳۶۶ ه. ش..
- ۳۹- Shoghi Effendi, p. 41.
- ۴۰- به یاد محبوب، ص ۲۸۰.



ردیف اول (از عقب) از راست به چپ: ۱- جناب آقا عنایت‌الله سمندری، ۲- جناب آقا عبداله سمندری، ۳- جناب آقا میرزا طرازالله سمندری، ۴- جناب شیخ محمد کاظم سمندری، ۵- جناب آقا میرزا عبدالحسین سمندری، ۶- جناب آقا غلام‌الله (غلام‌علی) سمندری، ردیف دوم از راست به چپ: ۱- جناب میرزا محمد سمندری (فوزند ارشد جناب میرزا طرازالله سمندری)، ۲- جناب ملا علی ملقب به جناب معلم، ۳- طفل نصرالله سمندری (در طفولیت صمود کرد)، ردیف سوم: طفل مهدی سمندری (فوزند میرزا طرازالله سمندری که در چهار سالگی صمود کرد).